



## بررسی علل خانه نشینی و شهادت امام علی (ع) / چرا حدیث غدیر به اشتباه تفسیر شد

یک قرآن پژوه درباره تحریف در اصل ولایت و امامت بعد از پیغمبر(ص) گفت: عدالت نمی گذارد آدم راحت بخوابد زیرا وقتی عدالت بیاید خیلی ها هم باید هزینه آن را بپردازند مردم روزگار حضرت علی (ع) تحمل و ظرفیت پرداخت هزینه عدالت را نداشتند و برای اینکه تحمل نداشتند طبعاً هم تحمل امیرالمومنین(ع) را نمی کردند.

یک قرآن پژوه درباره تحریف در اصل ولایت و امامت بعد از پیغمبر(ص) گفت: عدالت نمی گذارد آدم راحت بخوابد زیرا وقتی عدالت بیاید خیلی ها هم باید هزینه آن را بپردازند مردم روزگار حضرت علی (ع) تحمل و ظرفیت پرداخت هزینه عدالت را نداشتند و برای اینکه تحمل نداشتند طبعاً هم تحمل امیرالمومنین(ع) را نمی کردند.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی رستم نژاد، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی(ع) العالمية در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه چرا با وجود اصرار مردم در بیعت با امیرمومنان از فرمانهای ایشان برای مثال جهاد و ... طفره می رفتند؟ گفت: دلایل مختلفی در اینجا دخیل است. اینکه مردم عموماً به حضرت امیر اقبال داشتند همیشه بود؛ حتی زمانی هم که مخالفت هایی در مقابل ایشان بعدها اتفاق افتاد عموم مردم یعنی آن بدنه صحابه و مردم دلشان با امیرمومنان بود.

وی افزود: دنیا طلبی ها، مقام پرستی ها، حرص و آزها نگذاشت یک عده که از خواص هم بودند و می توانستند در جامعه موج ایجاد کنند عموم مردم تابع امیرمومنین باشند. بنابراین بین عموم مردم و آن عده خاص فرق است. اینکه بگویم بین مردم (عوام الناس) آیا اینها در مقابل امیرمومنان بودند اینطور نیست؛ عموم مردم در مقابل امیرالمومنین نبودند اما افرادی بودند که آدمهای موثر و پر نفوذی بودند می توانستند از سادگی و جهالت و غفلت مردم یا بعضی وقت ها از مسائل شخصی و دنیوی، سود ببرند و بر علیه امیر المومنین جهت گیری کنند. بنابراین حساب مردم از حساب آن عده جریان ساز جدا است. مردم همیشه با امیرالمومنین بودند اما مردمی بودند که تخلفاتی داشتند سرپیچی هم می کردند، یعنی آنقدرها به قول عبدالعزیز کشی صاحب کتاب رجال کشی که از معتبرترین کتب شیعه در علم رجال است و از دانشمندان قدمای شیعه است می گوید آنهایی که با امیرالمومنین به عنوان امامت بیعت کردند 50 نفر هم نمی شدند.

وی با اشاره به اینکه درست است مردم 40 تا 50 هزار نفر با امیرالمومنین بیعت کردند و پشت سر حضرت نماز می خوانند، اما این مسئله به آن معنا نیست که آنها امیرالمومنین را به عنوان امام همانطوری که شیعیان قبول کردند قبول داشته باشند گفت: حضرت امیر را قبول دارند اما به عنوان خلیفه چهارم. نگاه بسیاری از مردم آن زمان نگاهی در حد قبیله و رئیس قبیله و اینکه آیا حضرت امیر می تواند در مقابل شامیان قدرتی باشد در همین حد بوده است. در حد جهت و ولی خدا نبوده است. لذا در رکاب امیرالمومنین در جنگ صفین خوارج شمشیر می زنند ولی همین خوارج بعدها در مقابل ایشان می جنگند و شمری که در صحرای کربلا امام حسین (ع) را به شهادت می رساند 20 سال قبل در رکاب حضرت علی(ع) شمشیر می زده و حتی زخمی هم شده است.

رستم نژاد تصریح کرد: آنهایی که در کوفه و اطراف کوفه و شهرهای مشابه با امیرالمومنین بیعت کردند همه اشان مالک اشتر یا جندب و از خواص اصحاب نیستند. مردمی هستند که خوارج درونشان است مردم کینه دار و بد قلق درونشان است و البته یک عده آدم هایی صاف و ساده ای هم درونشان هستند. شیعیانی هم درونشان هست البته این شیعیان بیشترشان به روز نبودند مطلب را دیر می فهمیدند. آن بصیرت لازم را نداشتند. بنابراین یک مجموعه از آدمهای گوناگون در آن زمان شکل گرفته بودند حالا برای خودش دلایلی جامعه شناسانه دارد. اینها سربازان امیرالمومنین شدند.

این محقق و نویسنده عنوان کرد: وقتی به نهج البلاغه نگاه می کنیم می بینیم که بسیاری از خطبه های حضرت درباره شکایت از سربازان خودش است تا جایی که می گوید لم اری کم؛ لم اعرفکم؛ ای کاش من شما را نمی دیدم یا ای کاش من شما را نمی شناختم. این سربازان کسانی بودند که بعدها در مقابل ایشان و امام حسن و حسین (ع) می ایستند. مردم دمدمی مزاجی هستند که در آن روزگار تاریخ به ما نشان می دهد.

وی تأکید کرد: کسانی هستند که یکروز طرف امام علی(ع) را می گرفتند فردا بیعت شکنی می کردند، در مقابل امام می ایستادند. طلحه و زبیر این کار را کردند، یعنی در مدینه با امام بیعت کردند اما در بصره در جنگ جمل با امام جنگیدند.

رستم نژاد در مورد اینکه چرا آنهایی که با امام علی(ع) مخالف بودند بعد از شهادت ایشان با امام حسن(ع) بیعت کردند هم بیان کرد: راجع امام حسن(ع) هم همینطور است. اینکه از امام حسن (ع) اقبال کردند و آمدند بیعت کردند همه اینها درست است اما همه اینها کسانی هستند که 6 ماه بعد در مقابل امام حسن(ع) می ایستند و در واقع به نوعی می خواستند امام حسن مجتبی(ع) را تسلیم معاویه و مردم شام و حکومت شام کنند، بنابراین مردم دمدمی مزاج و منفعت طلب، فرصت طلب و راحت طلب و دنیا طلب درونشان بسیار بود این مسائل باعث شد که در 4 سال و اندی حکومت امیرالمومنین ایشان پشت سر هم گرفتار جنگ های داخلی شد و بالاخره به دست همین قماش از سربازان خودش هم به شهادت رسید. ابن ملجم مرادی از کسانی است که یکروز سرباز امام بود و در مقابل امیرمومنان نبود، اما در مقابل حضرت هم ایستاد و حضرت را ناجوانمردانه به شهادت رساند.

وی درمورد اینکه چرا مردم عرب به مقام ولایت و امامت امام علی(ع) توجه نکردند هم تصریح کرد: این مسئله به عدم شناخت

مردم از امیرالمومنین بر می گردد. یعنی آنها ولایت و امامت امام علی(ع) را به رسمیت نشناختند اساساً حتی آنهایی هم که با ایشان بیعت کردند عموم کسانی بودند که به عنوان خلیفه چهارم با ایشان بیعت کردند نه به عنوان ولی خدا و صاحب ولایت. اینها به خیلی مسائل بر می گردد از جمله اینکه همین بحث ولایت است که در حدیث غدیر خم پیامبر(ص) فرمود، اینان ولایت را به معنی حب گرفتند و وقتی گفتند ولایت یعنی حب به علی(ع) و خاندانش گفتند هیچ کسی دشمن علی(ع) نیست و ما همه او و خاندانش را دوست داریم حتی اگر خانه نشین هم باشند.

رستم نژاد تأکید کرد: آن ولایتی که شیعه برای اهل بیت(ع) قائل است آنها این تلقی را ندارند. امروز هم اهل سنت همین طور هستند. حدیث غدیر را قبول دارند که نقل شده است زیرا سندهایش در کتابها و منابع شان آمده است، اما تفسیر آن را اشتباه می کنند و ولایت را به معنای حب و دوست داشتن گرفته اند. و ولایت را در این حد گرفتند چنین است که اینها اصلاً اعتقاد به ولایت نداشتند یک عده از سربازان امیرالمومنین(ع) مثل سلمان و ابوذر و مالک اشتر بودند که از اول قائل به ولایت بودند و در ماجرای سقیفه و بعد از ستیز، کسانی بودند که از اول در برابر این ماجرا ایستادند. ولی وقتی امیرالمومنین سکوت کرد آنها هم به خاطر ایشان سکوت کردند. ولی امیرالمومنین(ع) را به عنوان ولی خدا و صاحب ولایت بر خلاف اکثر مسلمانها می شناختند.

این قرآن پژوه تصریح کرد: چنین است که مردم آن زمان تلقی درستی از حدیث غدیر نکردند. البته باید توجه داشته باشیم که دلایل دیگری هم در این مسئله وجود دارد. به عنوان مثال یکی از این دلایل قبیله ای بودن اعراب بود که هرچه رئیس قبیله می گفت مردم تبعیت می کردند. در نظام قبیله ای و عشیره ای روسای قبایل افرادی بودند که بسیاری از اینها منفعت طلب و دنیا طلب بودند و اگر امیرالمومنین با آن نگاه امامتی خاص خودشان بر آنها حاکم می شد آنها نظام قبیله ایشان آن ریاست و دنیایشان از دست می دادند. چنین بود که این عده غالباً نگاه رقیبانه نسبت به امیرالمومنین(ع) و اهل بیت(ع) داشتند و عموماً اهل بیت(ع) خانه نشین می شدند و جریان به نفع آنها رقم نمی خورد. اهل بیت(ع) تا جایی نزد آنها رسمیت داشتند که به آن ریاست و حکومتشان لطمه نخورد و اگر غیر این بود اهل بیت(ع) را کنار می زدند و دنیای خودشان را دنبال می کردند.

این محقق و نویسنده در مورد اینکه چرا مردم آن زمان شناختی از امیرالمومنین(ع) نداشتند مگر احادیث و روایات را در مورد ایشان نشنیده بودند هم گفت: چرا شنیده بودند اما در احادیث و روایات تحریف کردند و ولایت را به عنوان حب و دوست داشتن تفسیر کردند. لذا حدیث غدیر یک حدیث خنثی شد. آنچه که اتفاق افتاد یک تحریف معنوی بود. مردم هم آن بصیرت لازم را نداشتند و آن عده هم که داشتند آنقدرها نبودند که بتوانند کاری بکنند.

وی در مورد اینکه چرا مردم آن زمان فریب سیاستهای تخریبی معاویه علیه امام علی(ع) را خوردند تأکید کرد: این هم به دنیا طلبی مردم آن زمان بر می گردد. عدالت در عین اینکه شیرین و خوب است اما تحملش سخت است. امیرالمومنین مجسمه عدل است حکومت عدل تحملش برای آدمها حتی آدمهایی که خیلی هم عدالت را دوست دارند سخت است. آدمها عدالت را در لفظ دوست دارند وقتی همین عدالت به پای عمل می رسد استخوان برخی ها را خرد می کند. برخی ها نمی خواهند دنیایشان را خرد کنند که اگر بخواهد همه چیز را بر اساس عدالت باشد اینکه همه یکجور نگاه شود رئیس و مرئوس نداشته باشیم طبیعی است که آدمهای دنیا طلب از این اوضاع خوششان نمی آید؛ می خواهند بالاخره یک جایی به هم دوست دارند تو هم مقداری شل بیایی حالا هم خیلی جدی نباشی تا یک مقداری آنها راحت باشند.